

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com
دبیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com

چهارشنبه ها منتشر می شود! ۲ آذر ۱۳۸۴ - 23 Nov 05

www.javanx.com

جوانان حکمتیست ۶۵



خشونت علیه زنان یکی از چهار عامل اصلی...

روشنگری: روز جمعه ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵ تئودور وینگر سفیر سوئیس در سازمان ملل گزارشی در مورد خشونت جنسی به این سازمان ارائه داد.

در این گزارش آمده است امروز باید ۲۰۰ میلیون زن بیشتر از شمار کنونی در جهان وجود می داشت. ولی بیشتر این عده کشته شده اند. ۸۰ میلیون آن ها در همان زمان که نطفه شان در رحم مادر بسته شد، فقط به جرم، دختر بودن سقط شده اند. بنا بر گزارش وینگر پشت مرگ و میر بالای بعد از تولد نیز تبعیض و سرکوب جنسی قرار دارد.

سنت های مردسالارانه، تجاوز در جنگ ها و ← ۲

۱۶ آذر روز آزادی و برابری؛ روز تحکیم رهبری چپ



کوروش مدرسی

(پرای اولین بار در آذر ۸۲ نوشته شده است)

۱۶ آذر روز اعتراض به جمهوری اسلامی است. این را همه میدانند. ۱۶ آذر روزیست که دانشجویان آزادیخواه سال گذشته اعلام کردند که آزادی میخواهند، برابری میخواهند و به چیزی کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نمیدهند. این را هم همه میدانند. و همه مدتهاست که دارند به استقبال ۱۶ آذر میروند. همه اعضا و جوارح رژیم بکار افتاده اند که مانع از آن شوند که امسال ۱۶ آذر دیگری با شعار "آزادی، برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" بر حکومت اسلامی تحمیل شود. از گله آخوند، پاسدار و حزب الله که وعده داده اند که "نمیگذارند" تا رئیس جمهور رژیم که وعده داده که اگر اجازه داشته باشد سعی میکند در دانشگاه حضور یابد، همه میخواهند یا ۱۶ آذری نباشد و یا



اگر هست کنترل شده باشد. ۱۶ آذر روز آزمائی رژیم با آزادیخواهی است. همه این را پذیرفته اند و همه منتظراند نتیجه را ببینند. سوال این است که نتیجه ۱۶ آذر چگونه باید ارزیابی شود؟ چه چیز نشان میدهد که ۱۶ آذر دیگری به رژیم تحمیل شد؟ چه چیزی نشان میدهد که جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی رژیم اسلامی را به عقب رانده است؟ اولین شاخص پرچم اعتراض است. همه، از رژیم تا مردم و از ژونالیست های "محترم" تا دستگاههای دولتی صاحب کار ژورنالیسم رسمی قبل از ←

فضای شهر مهاباد همچنان ملتهب است!

رضا دانش

روز شنبه بعد از ظهر در منطقه باغ شایگان بدنبال درگیری میان نیروی انتظامی با جوانی به اسم شیرکو امینی، نیروهای رژیم به طرف شیرکو تیراندازی کرده و ۲ تیر به او اصابت میکند و جاننش را فوری از دست میدهد. شیرکو امینی دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی بود و پدرش به اسم علی بگ مشهور است. این اتفاق که در محله بداغ سلطان صورت میگیرد همراه بود با تعطیلی مدرسه راهنمایی دخترانه محل. دانش آموزان با دیدن این وضع با سنگ به نیروی انتظامی حمله میکنند. کم جوانان و مردم هم در این منطقه جمع شده و درگیری مردم و نیروی انتظامی ←

یک شانزده آذر متفاوت!

عباس رضائی ص ۳

خدا زائیده ذهن بشر!

(برگرفته از سایت بی خدایان) ص ۴

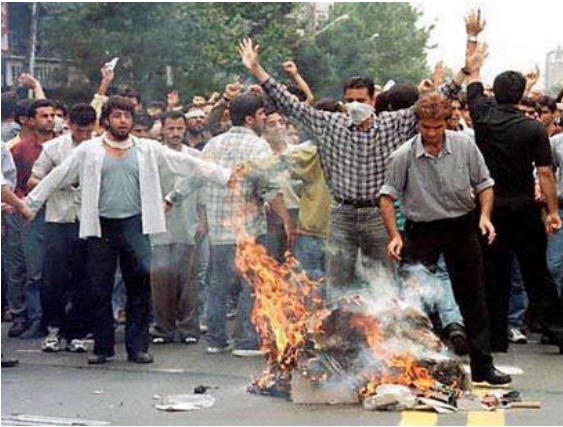
تماس با ما
دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۳۲۳۶۱۳

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۲۲۸۲۴۵۴۲

معاون دبیر: جمال کماتگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!



اعتراض باشد و چه نباشد، واقعه "۱۶ آذر" خود محمل یک تحرک سیاسی در دانشگاه و به تبع آن در جامعه است. سوال این است که نبض این تحرک، نبض این بی قراری سیاسی را چه کسی میزند؟ چپ یا راست؟ نگاه میکند تا ببیند آیا آزادی خواهی و برابری طلبی در مقیاس اجتماعی به سنت دست بالا پیدا کرده اعتراض دانشجویان تبدیل شده است یا نه. باید تضمین کرد که چپ و آزادی خواهی و برابری طلبی سخنگو و به حرکت در آورنده این اعتراض باشد. باید تضمین کرد که نبض "ماجرای" در دست آزادیخواهان، در دست برابری طلبان و در دست کمونیستها است. شاخص دوم رهبری است. همه نگاه میکنند ببیند بجای نسل قدیم و مضمحل شده دو خرداد چه کسی و چه رهبرانی به رهبران علنی توده ای مردم و دانشجویان تبدیل شده اند؟ همه نگاه میکنند تا ببیند رهبران، سازماندهندگان، سخنوران، تاکتیسین ها، رهبران فکری و آریاتوره های اعتراض

اعتراض باشد و چه نباشد، واقعه "۱۶ آذر" خود محمل یک تحرک سیاسی در دانشگاه و به تبع آن در جامعه است. سوال این است که نبض این تحرک، نبض این بی قراری سیاسی را چه کسی میزند؟ چپ یا راست؟ نگاه میکند تا ببیند آیا آزادی خواهی و برابری طلبی در مقیاس اجتماعی به سنت دست بالا پیدا کرده اعتراض دانشجویان تبدیل شده است یا نه. باید تضمین کرد که چپ و آزادی خواهی و برابری طلبی سخنگو و به حرکت در آورنده این اعتراض باشد. باید تضمین کرد که نبض "ماجرای" در دست آزادیخواهان، در دست برابری طلبان و در دست کمونیستها است. شاخص دوم رهبری است. همه نگاه میکنند ببیند بجای نسل قدیم و مضمحل شده دو خرداد چه کسی و چه رهبرانی به رهبران علنی توده ای مردم و دانشجویان تبدیل شده اند؟ همه نگاه میکنند تا ببیند رهبران، سازماندهندگان، سخنوران، تاکتیسین ها، رهبران فکری و آریاتوره های اعتراض

هرچیز دارند نگاه میکنند تا ببینند بر ویرانه های اضمحلال دوحرداد کدام سیاست عروج میکند. "خلاء" رهبری در جامعه را چه کسی پر میکند؟ پاسخ به این سوال قبل از اینکه به تعداد تظاهراتها و یا ابعاد آن مربوط باشد به پرچم آن مربوط میشود. همه نگاه میکنند ببینند که مردم چه میخواهند؟ دانشجوی معترض و رادیکال را کدام افق و کدام آرزو، کدام جریان، به حرکت در می آورد؟ به پرچم اعتراض، چه اعتراض آشکار باشد و چه اعتراض زیر فشار سرکوب مخفی بماند، نگاه خواهند کرد. پرچم آزادی خواهی تعریف شده است: "آزادی، برابری" و "مرگ بر جمهوری اسلامی. همه نگاه خواهند کرد تا ببیند "فضا" چیست؟ سکوت؟ تن دادن به جمهوری اسلامی؟ امید به آمریکا و در انتظار عراقیزه کردن ایران؟ رفراندم؟ یا چشم دوختن به آزادی و برابری و رضایت ندادن به کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی؟

خود روز ۱۶ آذر چه شدت می باید. جمهوری اسلامی فوری نیرو به منطقه اعزام کرده و کلی نیروهای لباس شخصی و انتظامی در منطقه باغ شایگان جمع میشوند. مردم با سنگ به کلانتری ۱۲ مستقر در محل حمله میکنند و در و شیشه های آن را در هم شکستند. همزمان یک

است. تمام تلاش برای سازمان دادن بزرگترین و رادیکال ترین اعتراض ممکن را باید کرد و راستش بدون چنین تلاشی نه کسی رهبر میشود و نه ستون فقرات سازمانی درستی شکل میگیرد. اما اینکه روز ۱۶ آذر ابعاد اعتراض در چه حد خواهد بود بستگی به فاکتورهایی دارد که خارج از کنترل ما هستند. به دلایل گوناگون ممکن است به خیابان آمدن ممکن نباشد. اما تشخیص درست همین ممکن بود و یا نبودن به وجود یک رهبری مسلط، یک پرچم روشن و یک شبکه سازمانی کارا بستگی پیدا میکند. ۱۶ آذر روزی است که همه اینها به نمایش درخواهد آمد.

قدرت و تسلط این رهبری در فضای دانشگاه و در فضای جامعه قابل حس باشد. گفتیم که "تدارک" ۱۶ آذر خود محمل زور آزمائی رژیم و راست و چپ جامعه شده است. باید شبکه فعالین کمونیست، رهبران کمونیست آگاهانه به این مساله توجه کنند. بدون دو شاخص فوق، صرف "شلوغ کردن" پاسخ وضعیت کنونی نیست.

بالاتر شاخص سوم دامنه و ابعاد اعتراض است. بدون تردید ابعاد اعتراض رادیکال، آزادیخواهانه، برابری طلبانه و چپ در دانشگاه و طبعاً در جامعه، یک شاخص مهم برای ارزیابی از موقعیت سیاسی کنونی در ایران

قدرت و تسلط این رهبری در فضای دانشگاه و در فضای جامعه قابل حس باشد. گفتیم که "تدارک" ۱۶ آذر خود محمل زور آزمائی رژیم و راست و چپ جامعه شده است. باید شبکه فعالین کمونیست، رهبران کمونیست آگاهانه به این مساله توجه کنند. بدون دو شاخص فوق، صرف "شلوغ کردن" پاسخ وضعیت کنونی نیست. بالاتر شاخص سوم دامنه و ابعاد اعتراض است. بدون تردید ابعاد اعتراض رادیکال، آزادیخواهانه، برابری طلبانه و چپ در دانشگاه و طبعاً در جامعه، یک شاخص مهم برای ارزیابی از موقعیت سیاسی کنونی در ایران

بیشتری می باید. در این دو روز هم خصوصاً عصرها جوانان به طرف نیروی انتظامی سنگ می اندازند و با آتش زدن لاستیک به حضور نیروی رژیم اعتراض میکنند. روز دوشنبه اعتراضات جوانان در مناطق میدان حیوانات و باغ شایگان و محله بداغ سلطان تا ۱۱ شب و به صورت پراکنده ادامه داشت. امروز سه

بیکان نیروی انتظامی و یک پژوی مربوط به مزدوران لباس شخصی را به آتش کشیدند. اعتراضات تا دیر وقتی ادامه داشت. روز یکشنبه و دوشنبه نیز اعتراضاتی در همین منطقه در جریان بود. یکشنبه صبح کمی شلوغ بود و بعد از ظهر دیگر اعتراضات شدت

باغ شایگان وسیعاً مستقرند. در کل شهر هم حضور وسیع آنان مشهود است. میزان حضور لباس شخصیها به نسبت دوره های قبل بسیار بالا است. فضا کلاً نظامی است.

شبه کل این مناطق رفته ام و اوضاع تا هم اکنون آرام است. ولی معمولاً عصرها شلوغ میشود که الان نمی شود پیش بینی کرد.

گفتم اوضاع ظاهراً آرام است، که در واقع آرام نیست. مزدوران رژیم خصوصاً در مناطق میدان حیوانات و

بیشتری می باید. در این دو روز هم خصوصاً عصرها جوانان به طرف نیروی انتظامی سنگ می اندازند و با آتش زدن لاستیک به حضور نیروی رژیم اعتراض میکنند. روز دوشنبه اعتراضات جوانان در مناطق میدان حیوانات و باغ شایگان و محله بداغ سلطان تا ۱۱ شب و به صورت پراکنده ادامه داشت. امروز سه

بیکان نیروی انتظامی و یک پژوی مربوط به مزدوران لباس شخصی را به آتش کشیدند. اعتراضات تا دیر وقتی ادامه داشت. روز یکشنبه و دوشنبه نیز اعتراضاتی در همین منطقه در جریان بود. یکشنبه صبح کمی شلوغ بود و بعد از ظهر دیگر اعتراضات شدت

شدت می باید. جمهوری اسلامی فوری نیرو به منطقه اعزام کرده و کلی نیروهای لباس شخصی و انتظامی در منطقه باغ شایگان جمع میشوند. مردم با سنگ به کلانتری ۱۲ مستقر در محل حمله میکنند و در و شیشه های آن را در هم شکستند. همزمان یک

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

یک شانزده آذر متفاوت!



عباس رضائی

شانزده آذر سال پیش، پرچم چپ بود که بر فراز دانشگاه‌های ایران به اهتزاز در آمد، پرچمی که هر چه سعی کردند نتوانستند از چشم‌ها پنهانش کنند. اما امروز شانزده آذر دیگری در پیش است، روزی که همه منتظرند یک بار دیگر چپ در دانشگاه قدرت خود را به نمایش بگذارد، روزی که همه منتظرند مارش کمونیستها یک بار دیگر جان تازه‌ای به کالبد نیمه جان اعتراضات درون ایران بدمد.

روزی که همه منتظرند سرود انترناسیونال در میان پرچم‌های آزادی و برابری به گوش همه برسد. و این کار ما است. مایه‌ای که منتظر نیستیم ببینیم چه پیش می‌آید.

ما چپ‌ها، ما کمونیستها، مایه‌ای که یاد گرفتیم باید بسازیم، خلق کنیم و این اراده ما است که تاریخ را می‌سازد.

شانزده آذر امسال تفاوت‌های زیادی با سال‌های قبل دارد. در سال‌های گذشته بیشتر سعی می‌شد که محافل و اتحاد شما را بهم برزن، سعی می‌شد از رادیکالیسم اعتراضات شما کم کنند، سعی می‌شد جنبش اصلاحات را رهبر اعتراضات شما نشان دهند، سعی می‌کردند نشان دهند اعتراض شما

برای اصلاح کردن این حکومت اصلاح نشدنی است.

اما این بار روششان فرق می‌کند، چون می‌دانند دیگر نفوذی در میان شما ندارند، چون می‌دانند دیگر نمی‌شود با خاتمی‌ها برای یک دوره دیگر اعتراضات و قیام ما را به عقب باندازند. این بار تصمیم گرفته‌اند که بترسانند، تصمیم گرفته‌اند مقابل عزم جزم ما برای سرنگونی این حکومت، جنگ و دندان نشان دهند.

اما در این میان ما نیز متحدتر شده ایم، ما نیز پرچممان بر افراشته تر شده است، خواسته‌هایمان رادیکال تر شده است، ما تجربه اعتراضات 18 تیر و 16 آذر را داریم، اکنون ما نیز به این نتیجه رسیده ایم که می‌توانیم دیوارهای ارتجاع را درهم بشکنیم. در این 16 آذر و روزهای مشابه باید تمرین در دست گرفتن محلات را در دستور کار خود قرار دهیم، باید دانشگاه را برای یک روز فرق کنیم، همیشه از ترس ما درهای دانشگاه را می‌بستند که اعتراض ما به بیرون درج نکند این بار ما همه درها را در این روز بروی هر چه ارتجاع است خواهیم بست. این روز، روز ما است.

سرود انترناسیونال را می‌شود در این روز خواند، می‌شود در این روز در دانشگاه حکومت کرد، می‌شود یک روز برابری زن و مرد را در دانشگاه به نمایش گذاشت

شانزده آذر امسال هر چه باشد می‌تواند روز تعیین تکلیف ما با باقیمانده ارتجاع در دانشگاه باشد.

خوب با این توضیحات استراتژی ما در این دوره چه می‌تواند باشد؟ جلوی این تعرض ارتجاع، چگونه باید مقاومت کرد، و جلورفت؟

چند پیشنهاد عملی برای شانزده آذر.

می‌شود صدها نسخه از سرود

انترناسیونال به زبان فارسی را همان روز یا روز قبلش در دانشگاه پخش کرد، سرود انترناسیونال در این دوره برای ما خیلی مهم است، تقابل ما با جمهوری اسلامی وارد مرحله‌ای شده است که دیگر باید راست جامعه، راست در اپوزسیون نیز به این مهم پی‌برد که دانشگاه در انحصار ما چپ‌ها، ما قشر مدرن جامعه و در اختیار سوسیالیسم است.

باید در روز شانزده آذر باصدای بلند به زندانی کردن کارگران سقز اعتراض کرد، باید این پیوند سنتی جنبش دانشجویی و جنبش کارگری را در این روز دوباره به صحنه سیاست ایران بازگرداند. جنبش‌های که سال‌های سال شانه به شانه هم در همه نقاط دنیا علیه ارتجاع به میدان آمده‌اند. دفاع ما در شانزده آذر از کارگران در بند یک نوع رسمیت بخشیدن از طرف جنبش دانشجویی به روز اول ماه مه (روز جهانی کارگر) است، زیرا که تنها جرم این فعالان در بند برگزاری روز جهانی کارگر است.

شانزده آذر می‌تواند روز نمایش برابری زن و مرد و روز تعرض ما به طرح جداسازی جنسی در ایران باشد، در این روز می‌توان در دانشگاه به کنترل در آمده از اعتراض ما، روسری‌ها را به گوشه‌ای پرت کرد، دست در دست هم دختر و پسر به اپارتاید جنسی حاکم در ایران اعتراض کرد. می‌شود و امکان پذیر است به شرطی که ابعاد اعتراض ما به اندازه‌ای وسیع باشد که دیگر نشود جلوی ما را سد کرد.

تجربه‌های موفق روز جهانی کارگر و سخنرانی فعالان کارگری در دانشگاه، شرکت هزاران نفره مردم در مراسم‌های هشت مارس و نمایش بی نظیر مردم سنج در روز جهانی کودک و اعتصاب شانزده مرداد در تمام

شهرهای کردستان این نوید را می‌دهد که شانزده آذر امسال می‌تواند چیز متفاوتی باشد. این کارها عملی است، در ایران کنونی و بخصوص در دانشگاه توازن قوا طوری است که می‌شود یک روز، فقط برای یک روز یا حتی چند ساعت دانشگاه را در اختیار گرفت. چنین شانزده آذری می‌تواند ادامه دهنده شانزده آذر پارسال باشد، که پرچم چپ را با افتخار در سراسر دانشگاه‌ها به اهتزاز در آورد.

کشمکش‌های قومی مهم‌ترین عوامل اعمال خشونت علیه زنان هستند. مناسفانه در مورد خشونت‌هایی که علیه زنان اعمال می‌شود ارائه آمار و حتی گزارش دقیق و جامع مبتنی بر آمارگیری گسترده تقریباً غیر ممکن است. زیرا بخش اعظم خشونت‌ها گزارش نمی‌شود و تعداد موارد ثبت شده به شدت کمتر از موارد ثبت نشده است و این مساله هم در کشورهای عقب مانده و هم در کشورهای پیشرفته صادق است. مثلاً در خود سوئیس، گزارشی از سال ۱۹۹۷ نشان می‌دهد از هر ۵ زن سوئیسی یکی مورد خشونت قرار گرفته است. اگر در سوئیس چنین است در کشوری مثل ایران که هم سنت و هم دولت رسماً مرد را قائم بر زن قرار می‌دهد و به خشونت رسمیت می‌بخشد، اوضاع از چه قرار است؟ میشلین کالمی ری وزیر خارجه سوئیس در روز بین‌المللی مبارزه با خشونت علیه زنان با اشاره به همین گزارش به جهانی بودن مساله تاکید کرد و گفت خشونت علیه زنان، یک فاجعه خاموش از نقطه نظر انسانی، اقتصادی و اجتماعی است.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

خدا زائیده ذهن بشر

(برگرفته از سایت بی خدایان)

انسان خدا پرست زاده نمی شود، بلکه در اثر شرایط اجتماعی و تربیتی اش، خدا پرست می شود. در ضمن به میزانی که انسانها آگاه می شوند و به تواناییهای خود پی می برند از خدا و مذهب فاصله می گیرند، و به جای تکیه به خدا به لیاقتها و تواناییهای خود تکیه می کنند. انسانهای اولیه در اثر جهل، نا آگاهی، ترس ناشی از ناشناخته ها و خرافات، برای خود خدایانی در نظر می گرفتند و به هنگام گرفتاری و قهر طبیعت به آنها پناه می بردند.

بطور مثال وقتی آنها با رعدوبرق، زلزله، طوفان، و دیگر بلایای طبیعی مواجه می شدند. و دلایل آنها را نمی دانستند، علت آن را خشم خدایان رعد و طوفان و زلزله تصور می کردند و به نیایش آنها می پرداختند تا از خشم شان کاسته شود و آنها را دچار این بلاها نکنند. تاثیر این نوع باورها را حتی امروز هم در جوامع اسلام زده می بینیم که بعضی از مسلمانان به هنگام خسوف و یا کسوف نماز وحشت می خوانند.

از طرفی دیگر در مقابل نور، شادی، محبت، زندگی، عشق و ... که به آنها احتیاج داشتند خدایان نور، عشق، محبت، خورشید، مهر و ... را آفریده و این خدایان را در مقابل خدای خشم و ظلمت و تباهی و ... می گذاشتند. بطوریکه در هندوستان تعداد خدایان به صدها خدا می رسید! این خدایان در خیلی موارد به جنگ یکدیگر نیز رفته و نزاعهای تاریخی هم داشته اند.

به مرور زمان در اثر رشد ابزار تولید و بالطبع رشد دانش بشری، انسان کم کم به علل شکل گیری و پدید آمدن برخی پدیده ها پی برد و رفته رفته از تعداد خدایان خود کاست. یعنی دیگر احتیاج به آن خدای مشخص را از دست داد. مثلا وقتی انسان به چگونگی تابش خورشید بر دریاها، بخار شدن آب، شکل گیری ابر و در نهایت باریدن آن پی برد، خدای باران کم کم به افسانه ها پیوست. همین طور خدای سیل، طوفان، رعد، زلزله و ...

نیایش و کرنش انسان در برابر خدایان کم کم شکل مذاهب به خود گرفت. طبیعی بود که مذاهب اولیه اکثرا خدایان زیادی داشتند. در چند هزار سال گذشته اما مذاهب تک خدائی نیز کم کم پا به عرصه ظهور گذاشتند. ابراهیم به پیروان خود می گوید بیانید یک خدای واحد را پرستش کنیم. و یا محمد با شعار "لا اله الا الله" خدایان کوچک (اله ها) را رها کنید و الله خدای بزرگ را پرستش کنید به میدان آمد. و بدین سان بت خانه ها را یکی کرد و کعبه شد مرکز بت خانه و خدا پرستی مسلمانان. می بینیم که همین خدای واحد را هم آورندگان ادیان تک خدائی خلق کرده اند. و نه برعکس.

اما با تسلط بیشتر بشر بر طبیعت کم کم خدا و خداپرستی عامل تسکین و توجیه فقر اجتماعی و طبقاتی شد و در خدمت طبقات حاکم برای سرکوب مردم قرار گرفت. این بار بجای سیل و طوفان و صاعقه، فقر، بیکاری، سرکوب، ورتشکستگی، از خودبیگانگی و ده ها مصیبت اجتماعی و طبقاتی دیگر توسط خدا و خدا پرستی و مذاهب توجیه شدند و بشر با توسل به خدا و خدا پرستی سعی کرد ناتوانیهای اجتماعی که ناشی از جامعه طبقاتی است را مشروع جلوه دهد.

کم کم انسانها ی زیادی به این نتیجه رسیدند که به همین خدای واحد هم احتیاجی ندارند. و ماتریالیستها و مادیگرایان که سابقه

ی طولانی نیز در تاریخ دارند، در اثر پیشرفت علم و دانش قدرت بیشتری یافتند. در حال حاضر در بیشتر کشورهای مدرن و پیشرفته روز به روز بر تعداد بی خدایان و آته ا یست ها افزوده می شود. بطور مثال در کشور ۲۰ میلیونی کانادا بر طبق آمار رسمی ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار آته ایست وجود دارد. در صورتیکه مسلمانان طبق آمار رسمی حدود ۶۰۰ هزار نفر هستند و این آمار شامل کسانی که از کشورهای اسلام زده آمده اند و باورهای مذهبی هم ندارد (مثل خود من) نیز می شود. فرانسه کشوریست که تعداد بی خدایانش کم کم دارد از مرز خدا پرستانش می گذرد. و به همین شکل در کشورهای مدرن دیگر رشد بی خدایان چشمگیر است.

و اما همین خدا چیست، کیست و در کجاست؟

خدا موجودی ذهنی است ساخته و پرداخته ی ذهن افراد خدا پرست. به همین دلیل نه تنها یک خدا وجود ندارد بلکه به تعداد افراد خدا پرست نیز خدا وجود دارد. و طبیعتا هر خداپرستی خدایش با دیگری فرق دراد. چون زاده



برنامه های پرتو روزهای جمعه از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب به وقت تهران (۶ تا ۷ بعدازظهر به وقت اروپا)
مرکزی و ۹ تا ۱۰ صبح به وقت امریکای غربی از شبکه کانال یک پخش میشود

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Vertical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

امریکای شمالی:

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC : 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com
/parto

و پرورده ذهن خودش است. بطور مثال مهاجر ایرانی ای را در نظر بگیرید که به کانادا آمده و تا حدودی به قوانین مدنی آن آشنا شده و خرافات و زن ستیزی و کودک آزاری در فرهنگ اسلام را دیگر قبول ندارد و یا در او خیلی سست شده است، و به زبان انگلیسی هم تا حدودی تسلط پیدا کرده ولی هنوز در پستوی ذهن خود به خدائی نیز معتقد است. طبیعتا این خدای او مانند خود او دیگر زن آزار نیست و با کودکان مهربانتر از خدای اسلام است. ولی همین مهاجر خدا پرست وقتی مثلا با والدین خود که هنوز در جنبه اسلام اسیرند به بحث و مجادله می پردازد متوجه می شود که خدای او با خدای والدینش نه تنها تفاوت دارد، که اختلاف نظر هم دارند. به همین دلیل می بینیم که خدای محمد بطور مثال مشروب و گوشت خوک را حرام کرده در صورتیکه خدای عیسی مسیح هیچ مشکلی با آن ندارد. در یک کلام نمی توان ۲ خدا پرست را یافت که علیرغم اینکه دین و آئین و مرام مشترکی هم داشته باشند خدایشان دقیقا یکی باشد و برداشتشان از خدا یکی. چنین است که می گویم به تعداد افراد خدا پرست خدا وجود دارد. منتهی این خدا فقط در ذهن آنهاست و زاده و پرورده شده این ذهن است. عینیت ندارد. مادیت و وجود خارجی ندارد. و در بهترین حالت آن انسان ایده آله و آرمانهای خود و هم ناشناخته های خود را در ناشناخته ی دیگری به نام خدا که معلوم نیست چیست، کیست و کجاست (جز در ذهن او) متجلی می بیند.

به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید!